

من در مکتب نمبر دو در چاریکار خنده ام و قبل از آن در درمسال درس پنجابی میخواندم.

در طفلیت مشکلات صحتی داشتم و نظر به آن مشکلات من رت فامیلیم از مکتب بیرون کردند و این کار آسان نبود که یک طفل از مکتب پیش از وقت کشیده شود اما پدرم چون من حالت خوب نداشتم عارض شد و آن را انجام داد.

پدرم دوکان داشت در چاریکار اما یک دوکان دوا یونانی داشتیم در پلخمیری